یادداشت

مردم حاضرند «هزینه عدالت» را بپردازند

عباس دهقان

سرمایه اجتماعی، یا بعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع، فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را امکان پذیر سازد. یکی از نمودهای عینی و ملموس سرمایه اجتماعی در تاریخ معاصر در جریان جنگ تحمیلی و کمک‌های مردم به جبهه‌ها بود که همبستگی بالای ملی در طول آن دوران اتفاق افتاد. در دوره‌های مختلف تاریخی و رویدادهای گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی مثال‌های روشنی از سرمایه اجتماعی قابل بررسی و تحلیل است.

متأسفانه دولت فعلی که همان ارکان دولت یازدهم محسوب می‌گردند از فرصت تاریخی همبستگی اجتماعی و همراهی جمعی پس از توافق هسته‌ای به خوبی استفاده نکرد و این ظرفیت بالای اجتماعی از دست رفت. بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند که زمان مناسب برای اصلاحات اقتصادی دقیقا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم و در بحبوحه مذاکرات هسته‌ای و حتی پس از دستیابی به توافق فراهم گردید. اصلاحات اقتصادی نه از نوع سطحی و سرپایی بلکه از نوع جراحی عمیق و ساختاری برای بیماری که هم دچار خونریزی و عوارض سطحی است (تورم) و هم به بیماری مزمن و کهنه سرطان (ورشکستگی تولید، فساد ساختاری و..) مبتلا است.

سال ۲۰۰۱ که اقتصاد ترکیه با تورم افسار گسیخته و رکود عمیق دست به گریبان بود، بعد از سعی و خطای بسیار، دولتمردان و سیاسیون به اجماع ملی برای شروع اصلاحات اقتصادی دست یافتند. دولت، کمال درویش را که سابقه همکاری با بانک جهانی داشت به خدمت گرفت و او به عنوان رئیس کل بانک مرکزی معرفی کرد. نهایتا کمال درویش با توجه به درکی که از اختیارات مقامات دولتی داشت وزارت خزانه داری را پذیرفت و در این دوران با توجه به اجماع ایجاد شده ۱۸ قانون را در مدت ۵ ماه اصلاح کرد. به تعبیر کمال درویش، اصلاحات اقتصادی ترکیه می‌بایست اقتصاد ترکیه را از یک «اقتصاد رانتی» به یک «اقتصاد رقابتی و کارا» تبدیل کند. یکی از نکات جالب نگاه وی در این دوران علی رغم محدودیت‌های فراوانی که با آنها روبرو بود، تعامل سازنده او با کارگران بود چرا که معتقد بود این افراد نباید هزینه ناکارآمدی‌هایی را بپردازند که مسئول آن نبوده‌اند. کمال درویش برای شروع کار به سراغ بانک‌ها رفت. وی معتقد بود که هزینه‌های اصلاحات اقتصادی نباید بر دوش اقشار ضعیف و مزدبگیر باشد بلکه همانها که در دوره پیش از اصلاحات از آن شرایط بهره‌مند شدند باید بایستی در هزینه‌های اصلاحات سهیم گردند.

«ریچارد تیلر» برنده نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۷ و نویسنده کتاب «سقلمه» که به واسطه آن موفق به دریافت جایزه نوبل اقتصاد شد بر اهمیت اقتصاد رفتاری و روانشناسی در تصمیم گیری‌های افراد یک جامعه تأکید دارد. مطالعات تیلر نشان می‌دهد که آنچه عامل تصمیم گیری افراد است، کمبود آگاهی و اطلاعات، ناتوانی در کنترل رفتارهای شخصی و همچنین ملاحظات اجتماعی است. این نتیجه کاملا متفاوت با باورهای مرسومی است که اساس رفتارهای اقتصادی مردم را تصمیم‌های عقلانی براساس منفعت فردی تعریف می‌کنند. تیلر در سال گذشته برگزیت (خروج انگلستان از اتحادیه اروپا) را نمونه بارزی از تصمیم گیری تعداد زیادی از شهروندان بر مبنای احساس و نه براساس منافع اقتصادی نامید. نظریه دیگری که به «هزینه عدالت» معروف است نیز توسط تیلر بیان شده است. براساس این نظریه، مردم بسیار به عدالت اهمیت می‌دهند و مشتاقند برای مجازات افرادی که رفتاری ناعادلانه داشته‌اند هزینه بپردازند.

این دقیقا پاسخی است صریح و روشن به گفته‌های سخنگوی دولت که از مردم توقع مشارکت و پرداخت هزینه برای اصلاحات و بهبود وضعیت اقتصادی دارند. اگر مردم احساس کنند که دولت برای اجرای عدالت تلاش می‌کند و حتی برای مجازات رانت‌خواران و افراد صاحب نفوذ که در مفاسد اقتصادی پیشینه زیادی دارند عزم و اراده کافی از خود نشان می‌دهد حاضرند در پرداخت بخشی از هزینه‌های عدالت و اصلاحات (به عنوان نمونه واقعی کردن قیمت بنزین و..) مشارکت داشته باشند. بدون شک اینها همان مردمی هستند که بارها و در مقاطع مختلف تاریخی این روحیه مشارکت جویی و همبستگی بالای اجتماعی را از خود نشان داده‌اند.

در پاسخ به محمدباقر نوبخت مطرح شد:

همان‌ها که «سکه و ارز» بُردند به خزانه کمک کنند

PDF Compressor Free Version



مزدبگیران می‌گویند در شرایطی که در دهه‌های گذشته کارگران، معلمان و سایر دستمزدبگیران سهمی از امتیازات و منافع اقتصادی نبرده‌اند، توقع کمک به خزانه دولت، عقلانی نیست و دولت باید دست به دامان افرادی شود که سال‌ها از سفره‌ی انقلاب بهره‌مند بوده‌اند.

حدود یک هفته پیش، محمدباقر نوبخت (سخنگوی دولت) در یک نشست خبری، مردم را خطاب قرار داد و گفت: «کسانی که ارز و طلا در خانه دارند، تزریق کنند تا به تولید کمک شود. درست نیست ترامپ را تشویق کنید تا حلقه تحریم‌ها بیشتر شود.» این اظهارات، موجی از واکنش‌های مثبت و منفی را در پی داشت. ساعات پایانی همان روز، شهین دخت مولاوردی (معاون حقوق شهروندی رئیس جمهور) تصویری از صف طویل مردم کره جنوبی در کانال تلگرامی خود منتشر کرد و ذیل این تصویر نوشت: این صف مردم کره جنوبی‌ست که در سال ۱۹۹۸ وقتی فهمیدند با بحران اقتصادی روبرو هستند، طلاهایشان را به دولت کمک کردند و ۲.۲ میلیارد دلار جمع شد. مولاوردی از این ازدحام به عنوان «سرمایه اجتماعی» یاد کرده‌است.

مشارکت مردمی در رفع بحران‌های اقتصادی در تاریخ معاصر ایران نیز مسبوق به سابقه است؛ در دوره مشروطه، در جریان تاسیس بانک ملی ایران که قرار بود مقابل زیاده‌خواهی‌ها و سودجویی‌های بانک شاهی (وابسته به انگلیس) و بانک استقراضی روسیه، ایستادگی کند، مردم مشارکت کردند. حتی زن‌ها النگوها و گوشواره‌هایشان را فروختند و به دارالشوری بردند. در آن دوران بسیاری از عناصر وابسته به بورژوازی نوظهور ملی از جمله حاج امین‌الضرب و معین‌التجار بوشهری پیشگام حرکت بودند. سال‌ها پس از آن، در سال ۱۳۳۱ که دولت مصدق در مقابله با تحریم جهانی به سرکردگی انگلیس پس از ملی شدن صنعت نفت، با بحران اقتصاد مواجه شد و اقدام به انتشار اوراق قرضه ملی کرد، باز هم مردم پیشقدم شدند و با خرید این اوراق، به رفع بحرانِ ناشی از تحریم نفت کمک کردند. حتی روایت است دانش‌آموزان دبیرستانی پول توجیبی خود را روی هم ریختند و اوراق قرضه خریدند. در آن حرکت نیز دولتمردان و عناصر بورژوازی تجاری و بازاریِ پشتیبان دولت مصدق، پیشگام حرکت بودند.

حال پس از گذشت دهه‌ها باز هم شرایط اقتصاد به گونه‌ای پیش رفته است که سخنگوی دولت دست به دامانِ «مردم» شده و می‌خواهد که مردم که قاطبه آنها مزدبگیر هستند و تلاطمات اقتصادی، زندگی روزمره آنها را با مشکلات بسیار مواجه کرده است، در زدودن بحران‌ها مشارکت کنند. اما نگاه مزدبگیران به این فراخوان چگونه است؟ طبقه‌ی دستمزدبگیر در شرایط فعلی اقتصاد از چه رویکردی به این موضوع نگاه می‌کند؟

اول گزارش مالی شفاف ارائه بدهید و بعد هم جوابگو باشید

همچنین مازیار گیلانی‌نژاد، فعال صنفی کارگران خودروساز می‌گوید:

مردم به زور سیلی صورت‌شان را سرخ نگاه داشته‌اند؛ از کجا بیاورند که به تولید کمک کنند؟ این حرف‌ها نشان‌دهنده این است که تصمیم‌گیرندگان اقتصادی، دیدگاه جامعی از زندگی مردم ندارند. این خواسته‌ها نشان‌دهنده افکار غلط برخی آقایان است

«ما کارگران از آقای نوبخت می‌خواهیم به صورت شفاف و روشن اعلام کنند که در ظرف این چند سال که متصدی امور بوده‌اند، پول‌های ملی و بیت‌المال چطور هزینه شده و به کجا رفته که چیزی نصیب تولید نشده‌است؟ بعد قضیه‌ی اینکه چطور یک نفر می‌تواند در این کشور، چند هزار سکه خریداری کند را مشخص کنند. اول گزارش مالی شفاف به مردم ارائه بدهند و بعد هم جوابگو باشند که چرا دولت به قول‌ها و وعده‌هایی که به کارگران داده عمل نکرده، سپس از مردم که اکثریت کارگر هستند بخواهند که به تولید کمک کنند.

مساله بعدی این است که مردم را روشن کنند که آیا کشور ورشکسته شده یا نه؛ مردم اگر به صورت شفاف و آماری بدانند که کشور از نظر اقتصادی ورشکسته شده، می‌توانند آستین‌ها را بالا بزنند و به دولت کمک کنند. اگر بحران اقتصادی جدی‌ست؛ بایستی دلایل آن و عوامل آن به روشنی مشخص شود؛ مردم عادی که قاعدتاً عامل بحران نبوده‌اند؛ کارگر و معلم و پرستار که در این بحران دخیل نبوده‌اند. اگر خطایی بوده از آنهایی است که دهه‌ها راس کار بوده‌اند؛ همین‌ها هم از سودهای کلان و امتیازات سهم برده‌اند، چرا حالا که اوضاع خراب است، دست به دامان «مردم» شده‌اند؛ چرا از همان گروه‌های در راس امور مطالبه‌گری نمی‌شود؟

همین الان هم لیست واردات با ارز دولتی را نگاه کنید؛ مردم و نیازهایشان اصلاً در این سیاهه جایی ندارند؛ حتی تولیدکننده‌ها هم سهمی از این امتیازات دولتی ندارند. در این وانفسا کار به جایی رسیده که باشگاه ورزشی، لاستیک اتوموبیل وارد می‌کند؛ یا خیلی واردات غیرضروری و بی‌حساب و کتاب دیگر انجام می‌شود؛ مشخص است که هنوز هم به نظارت بر اقتصاد معتقد نیستند.

اگر کره جنوبی را نمونه می‌آورند، این قیاس مع‌الفارق است؛ آن زمان دولت کره شفاف به مردم اعلام کرد که ورشکسته‌ایم؛ دلایل و آمارها را هم در اختیار مردم گذاشت و بعد هم دقیق به مردم اعلام کرد که با این سرمایه ملی چه می‌خواهد بکند؛ اول از همه هم خودِ بالادستی‌ها پیشقدم شدند؛ این کاملاً با شرایط ما متفاوت است.

از همه مهم‌تر این است که منِ کارگر که در این چند دهه چیزی نُبرده‌ام. ما کارگران که ثروت‌مان چند برابر نشده که هیچ، قدرت خریدمان سال به سال کمتر هم شده؛ حالا حتماً توقع دارند ما پیشقدم شویم و سرمایه‌ی نداشته‌مان را تقدیم کنیم.

پول‌ها کجا رفته که حالا دست به دامان مردم شده‌اید؟

جعفر ابراهیمی، فعال صنفی معلمان نیز معتقداست:

«باید اول بررسی شود که خطاب آقای نوبخت با کیست؟ اگر خطاب ایشان یا اکثریت جامعه یا همان نود درصدِ بی‌نصیب جامعه است که باید گفت مردم نه چیزی عایدشان شده و نه چیزی دارند که بخواهند تقدیم کنند؛ با توجه به این تورم حاکم و گرانی‌های اخیر، مردم در امورات روزمره‌شان درمانده‌اند.

در حالی که به گفته‌ی اقتصاددانان، خط فقر حدود پنج میلیون تومان است، متوسط دریافتی معلمان بین یک میلیون و پانصد تا یک میلیون و هفتصد هزار تومان است؛ در این شرایط یک معلم چطور می‌تواند سکه سه میلیون تومانی و دلار ده هزار تومانی بخرد که حالا بخواهد آن را به بیت‌المال تقدیم کند.

در حالت کلی به نظر من، حرف آقای نوبخت درست است ولی این حرف را نباید خطاب به «همه مردم» بگوید؛ این را باید خطاب به باندهای قدرت و کسانی که در طول دهه‌های گذشته از رانت‌های مختلف برخوردار بوده‌اند، بگوید. حتی این سرمایه‌ای که بعد از برجام آزاد شد، هرگز سر سفره مردم، سر سفره کارگر و معلم نیامد و ما باید از دولت آقای نوبخت و از دولت‌های گذشته بپرسیم شما سرمایه‌های مردم ایران را صرف چه هزینه‌هایی کرده‌اید. نکته مهم این است که اگر دولتی واقعاً «مردمی» و مورد اعتماد مردم باشد، مردم در موقع بحران با طیب خاطر به کمک دولت می‌آیند؛ ولی وقتی که دولت طرف اعتماد مردم نباشد و مردم را فقط برای پای صندوق‌های رای بخواهد، طبیعی‌ست که مردم اگر سرمایه اندکی هم داشته باشند، اعتماد نکنند و به دولت ندهند. در زلزله کرمانشاه و سرپل‌ذهاب، مردم به برخی نهادهای دولتی اعتماد نکردند که یک پتو یا تن ماهی تحویل نهادهای دولتی بدهند و دیدیم که انجمن‌های مردم‌نهاد وارد میدان شدند، حالا چطور توقع دارند که سکه و ارز بیاورند برای خزانه دولت؟ «اعتماد مردم» سرمایه‌ای‌ست که اگر از دست برود، به راحتی به دست نمی‌آید. از همه اینها بگذریم؛ وقتی به صورت سیستماتیک و کاملاً برنامه‌ریزی‌شده، همه اموال عمومی را «پولی‌سازی» و از مردم سلب مالکیت می‌کنند، روی چه حساب از مردمِ سلب مالکیت‌شده می‌خواهند که چیزی به دولت ببخشند؟»

اگر بحران اقتصادی جدی است؛ باید دلایل آن و عوامل آن به روشنی مشخص شود؛ مردم عادی که قاعدتاً در این بحران دخیل نبوده‌اند. چرا از همان گروه‌های در راس کار بوده‌اند و از سودهای کلان و امتیازات سهم برده‌اند، مطالبه‌گری نمی‌شود؟

تصمیم‌گیرندگان دیدگاه جامعی از زندگی مردم ندارند

بیژن امیری، فعال صنفی بازنشستگان (بازنشسته خودروساز) می‌گوید: «مردم در این سال‌ها سهمی از امتیازات نبرده‌اند بنابراین به این حرف‌ها نمی‌توانند اطمینان کنند. بهتر است به آنها که ارز دولتی برای واردات می‌دهند، از همان‌ها بخواهند که به دولت کمک کنند. بهتر است از آن کسی که یک‌جا به او چند هزار سکه فروخته‌اند، بخواهند که چند سکه ناقابل را به دولت برگرداند. مردم به زور سیلی صورت‌شان را سرخ نگاه داشته‌اند؛ از کجا بیاورند که به تولید کمک کنند؟ این حرف‌ها نشان‌دهنده این است که تصمیم‌گیرندگان اقتصادی، دیدگاه جامعی از زندگی مردم ندارند. این خواسته‌ها نشان‌دهنده افکار غلط برخی آقایان است. مگر ما در این چند دهه نفت نداشته‌ایم؛ صادرات نداشته‌ایم؛ سرمایه نداشته‌ایم؛ این پول‌ها کجا رفته که حالا دست به دامان مردم شده‌اند؟

مگر زمانه مشروطه است که بگویند زن‌ها النگوهایشان را بیاورند دارالشوری تا وکلای مجلس بانک ملی تاسیس کنند؛ این همه سرمایه و پول در این چهار دهه کجا رفته؟ همانها که بهره‌مند شده‌اند حالا بیاورند پس بدهند... خانواده من ساکن مسکن مهرِ هشتگرد کرج است؛ اینجا همه کارگرند و یا در نهایت معلم و پرستار؛ همسایه کارگرِ من، آپارتمان بی‌کیفیت را با قسط و وام تحویل گرفته، حالا پول ندارد در این گرمای تابستان، کولر بخرد و نصب کند؛ از کجا بیاورد به دولت کمک کند؟ ما اینجا آب آشامیدنی را از تانکر می‌خریم؛ مدرسه نداریم؛ مسجد نداریم؛ فضای سبز نداریم؛ برای ما چه کرده‌اند که حالا می‌خواهند پس بگیرند!؟»

خبر

عضو هیات مدیره مجمع عالی نمایندگان کارگری:

از رئیس جمهور به دیوان عدالت اداری شکایت می‌کنیم



محمدرضا تاجیک گفت: مجمع عالی نمایندگان کارگری به خاطر تصویب بند (و) تبصره هفت در قانون بودجه سال ۹۷ از رئیس‌جمهوری به دیوان عدالت اداری شکایت می‌کند.

محمدرضا تاجیک (عضو هیات مدیره مجمع عالی نمایندگان کارگری) در گفت‌وگو با ایلنا، درباره پیگیری شکایت‌های تشکل‌های کارگری از بند (و) تبصره هفت قانون بودجه، گفت: در ادامه شکایت‌هایی که از رئیس جمهوری به دیوان عدالت اداری ارائه شده است، مجمع عالی نمایندگان کارگری هم به خاطر تصویب بند (و) تبصره هفت در قانون بودجه سال جاری از رئیس جمهوری شکایت می‌کند.

وی با بیان اینکه شکایت از رئیس‌جمهوری ابتدا باید در جلسه هیات مدیره مجمع عالی نمایندگان کارگری مصوب می‌شد، افزود: دولت نه تنها از تولید حمایت نکرده، نه تنها از اشتغال حمایت نکرده و نه تنها در مقابل نابرابری درآمدی و شکاف فقیر و غنی نه‌ایستاده؛ بلکه کارش به جایی رسیده است که دست در جیب کارگران می‌کند و به این منظور قانون بودجه را دستاویز این کار قرار می‌دهد.

تاجیک افزود: باید تلاش کنیم که گوشه‌ای از حق از دست رفته کارگران را بازیابیم.

از این رو از کارگران خواسته‌ایم که به صورت جداگانه و با شخصیت حقیقی از رئیس جمهوری شکایت کنند و مجمع عالی نمایندگان کارگری هم با شخصیت حقوقی از آقای روحانی شکایت می‌کند.

رئیس مجمع صنفی نمایندگان کارگری در پاسخ به این پرسش که تا چه اندازه امیدوارید که بتوانید جلوی اجرای بند (و) تبصره هفت قانون بودجه را بگیرید، گفت: به هر حال رئیس جمهوری به منظور اینکه نتوان به همین سادگی جلوی اجرای قانونی که دستاندازی به اموال بیمه‌شدگان در سازمان تامین اجتماعی تسهیل می‌کند، گرفت آن را با لابی کردن با نمایندگان مجلس ابتدا در لایحه بودجه گنجاند.

وی افزود: اساسا دولت به دنبال منابع جدیدی برای اجرای طرح‌های بر زمین مانده خود است لذا با خود اجازه می‌دهد که در تمام حوزه ورود و به اصطلاح دستاندازی کند.